

فقه اسلامی آب و کاربرد مدیریتی و حقوقی آن

سید علی محمد یثربی*

دانشیار گروه حقوق انرژی و تجارت بین‌الملل دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

چکیده

موضوع مالکیت آب با عناوینی هم‌چون مباحثات، مشترکات، قول به تفصیل با انفال با دو قید اختصار و استدلال است و با مباحثی هم‌چون بهره‌وری از آب‌های سطحی و آب‌های باطنی و ملاک و میزان حریم و تفاوت آن و فقه آب و محیط زیست و لزوم حفظ آن از آلودگی ادامه یافته و حسن ختام آن تکمله‌ای بر بهره‌وری معنوی از آب قرار گرفته است. آب جایگاه مهمی در نظام خلقت دارد؛ بنابراین پرداختن به رژیم حقوقی آن که برخاسته از تحلیل مبانی فقهی مربوط است، امری پسندیده و ضروری است. درعین‌حال از طریق تعادل میان بهداشت و اقتصاد و شبکه انتقال آب و نحوه بهره‌برداری، باید مباحث محیط زیستی مربوطه را از نظر علمی و عملی بسیار جدی تلقی کرد و در آخر از بهره‌وری معنوی از آن غفلت نورزید که مباحثی از این دست، فروتنانه در این نوشتار تحریر شده است.

واژگان کلیدی: آب، بهره‌وری، حریم، مالکیت، محیط زیست.

* Email: myasrebi@ut.ac.ir

مقدمه

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء: ۳۰)؛ هر موجود زنده‌ای را از آب پدید آوردیم. نصوص دینی که برآمده از سرچشمه وحی است، آب را نخستین پدیده مادی مخلوق خداوند معرفی می‌کند. امام محمد باقر علیه السلام در پاسخ به پرسش فردی درباره آغاز آفرینش، فرمودند: «اول شیء خلقه من خلقه الشیء الذی جمیع الاشیاء منه و هو الماء»؛ نخستین آفریده‌ای که خدا خلق کرد، چیزی است که تمام اشیا از آن است و آن آب است. در نتیجه، خداوند نَسَب هر چیزی را به آب رساند، اما برای آب نسبی که بدان منسوب شود، قرار نداد (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲۵).

این نصوص دلالت می‌کنند که پیش از پیدایش عالم هستی، آب پدید آمده است و در تعبیر «کان عرشه علی الماء» (هود: ۷)، واژه عرش کنایه است از تدبّر و منظور علم خدای متعال است به همه مصالح و به تعبیر استاد معرفت، آیه کنایه است از آن که خدای تعالی بود و هیچ چیز با او نبود و خدا پیش از سایر مخلوقات، آب را آفرید.

«و جعلنا من الماء کل شیء حی؟ هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم».

«و الله خلق کل دابه من ماء؛ خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفرید».

و درباره خلقت انسان: «و هو الذی خلق من الماء بشراً؛ اوست کسی که از آب بشری آفرید». علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه «وجعلنا من الماء کل شیء حی» آورده‌اند: مسئله ارتباط حیات با آب که امروزه در پرتو بررسی‌های علمی جدید روشن شده است، معجزه جاودانه قرآن کریم است (معرفت، ۱۳۷۶: ۱۶۵).

موضوع آب از وجوه مختلف عرفانی، ادبی، اقتصادی، اجتماعی، مبانی و اصول حقوق آب و بالاخره مبانی فقهی قابل بحث است.

آنچه این قلم در پی واکاوی آن است، مبانی فقهی آب است که با توجه به مجال کم و توان کم‌تر صاحب آن تحریر خواهد شد.

روش تحقیق در این مقاله، همان روش تحقیق فقه سنتی پویاست که به تعبیر امام خمینی رحمته علیه، روش تحقیق «جواهری» است. در میان اهل تحقیق رسم است که با معرفی یک شخصیت شاخص از آن علم، روش تحقیق را نیز در یک کلمه معرفی می‌کنند. شناخت موضوع و عرضه آن به منابع فقه - یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل - با کوششی روش‌مند انجام خواهد شد که از یک‌سو، تحقیق بنیادی و از دیگر سو، پژوهشی کاربردی است.

۱. فقه آب

۱.۱. مالکیت آب

مالکیت آب چگونه است؟ آیا میان آب‌های ظاهری و باطنی تفاوتی هست؟ آیا جزء مشترکات، مباحات یا از انفال است؟ مستندات هر قول کدام است و قول مختار چیست؟ در این بحث با تقسیم آب‌ها به ظاهری مثل دریاها و اقیانوس‌ها و باطنی مانند چاه‌ها، جایگاه هر کدام را مشخص کرده و به تفصیل دلایل مطرح‌شده در هر مورد را آورده و سرانجام قول مختار ارائه خواهد شد.

۱.۲. مباحات

حسب این دیدگاه، تمام آب‌ها اعم از آب‌های سطحی و عمقی از مباحات عامه بوده و تابع احکام آن است، اما بعضی بهره‌مندی از آب‌های عمقی موجود در زمین موات را که ملک امام علیه السلام است، مشروط به اذن امام نموده‌اند و نیز آبی که در ملک شخصی باشد (مثل چاه)، مملوک دانسته‌اند؛ مگر که بگوییم آب‌های عمقی در ملک شخصی از باب وحدت ملاک، مثل نفت‌های عمقی، خارج از متعارف بوده و در اختیار دولت اسلامی است و باید آن را اجاره یا خریداری کنند.

ملاحظه فرمایید:

فالمباح مثل ماء البحر و النهر الكبير مثل دجلة و فرات و النيل و الجیحون و سیحون و مثل العيون النابعة فی موات السهل و الجبل فکل هذا مباح (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۸۲)؛ مباح مثل آب دریا و نهر بزرگ مثل دجله و فرات و نیل و جیحون و سیحون و چشمه‌هایی که از زمین موات نرم و جبال می‌جوشد، همه این‌ها مباح است. و در جای دیگر آورده‌اند:

اما المملوک فکل ما حازه من الماء المباح فی قربه او جره او برکه او بئر جمعه فیها فهذا مملوک له کسائر المایعات المملوکه من الادهان و البان و غیرها ... و اما المختلف فی کونه مملوکه فهو کل ما نبع فی ملکه عن بئر او عین، فقد اختلف فیہ علی وجهین، احدهما انه مملوک و الثانی لیس مملوک، و قد مضی ذلک و قلنا ان الاقوی علی مذهبنا انه مملوک لانه نماء فی ملکه و لا دلیل علی کونه مباحاً (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۸۲)؛ اما آنچه قابلیت تملک دارد، پس هر آنچه از آب مباح که در مشک یا کوزه یا برکه یا چاه جمع کند، این‌ها مملوک هستند، مانند سایر مایعات مملوکه از روغن‌ها و لبنی‌ها و غیر آن؛ اما آنچه مورد اختلاف است، آنچه در ملک شخصی جوشان باشد، چاه یا چشمه. در مورد وجود چاه یا چشمه در ملک شخصی، دو نظر وجود دارد: اول این‌که، این‌ها مملوک‌اند؛ دوم این‌که، این‌ها مملوک نیستند. و ما

گفتیم که نظر اقوی در مذهب ما این است که این‌ها مملوک هستند؛ زیرا در ملک شخصی وجود یافته است و دلیل بر مباح بودن آن‌ها وجود ندارد. هم‌چنین فرموده‌اند:

و اما العیون المستنبطه فان قرارها مملوک و ماءها مملوک الا قدر ما یشرّب منه و یؤخذ منه بمجرد العاده فاما صرفه من عین الی عین فلصاحب العین المنع منه، و یجوز بیع العین اوسهم منها. اما المیاء اللتی تجری فی الانهار مثل الفرات و الدجله و نحوها من الانهار الکبار و الصغار فلیست مملوکه لا حد بلاخلاف لانها تنبع فی المواضع اللتی لیست مملوکه من الجبال و الشعاب و الصخور و غیر ذلک، و من استقی منه شیئا و حازه ملکه و اذا جری ماء من هذه الانهار الی ملک انسان فلا یملکه الا بالحیازه (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۰۶)؛ چشمه‌های حفرشده خودش و آب داخل آن قابل تملک است. دیگران به اندازه آب شرب خود و آنچه مجرای عادت بر آن جریان دارد؛ اما در مورد بردن آب از چشمه‌ای به چشمه دیگر آزاد نیستند و صاحب عین می‌تواند مانع از آب بردن شود. و فروش عین یا سهمی از آن صحیح است. اما آب‌هایی که در نهرها جاری است، مثل فرات و دجله و مانند آن از نهرهای بزرگ و کوچک برای هیچ فردی قابل تملک نیست، بدون هیچ خلافتی؛ زیرا از مواضعی می‌جوشد که مملوکه نیستند؛ مثل کوه‌ها و دره‌ها و صخره‌ها و مانند آن و هرکس از آن‌ها برداشت کند و حیازت نماید، مالک آن می‌شود و اگر از این آب در ملک انسان جریان یابد، مالک آن نمی‌شود، مگر با حیازت.

شهید اول، اصل اولیه در آب را اباحه دانسته و فرموده‌اند که با حیازت و استخراج به ملکیت درمی‌آید:

اما الماء فاصله الاباحه و یملک بالاحراز فی اناء او حوض و باستنباط بئر او عین او اجراء نهر من المباح علی الاقوی (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۳: ۶۵)؛ اما در مورد آب، پس اصل آن اباحه است و مالک می‌شود با احراز آن در ظرف یا حوض و مانند آن و با حفر چاه یا چشمه یا جاری کردن آن در نهر نیز علی‌الاقوی مباح است.

شهید ثانی نیز آورده‌اند:

المیاء المباحه کمیاء العیون فی المباح و الآبار المباحه و الغیوث و الانهار الکبار کالفرات و دجله و النيل و الصغار اللتی لم یجرها مجر بنیه التملک (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ج ۷: ۱۱۴)؛ آب‌های مباح مثل آب‌های چشمه‌های در مباح و چاه‌های مباحه و آب باران‌ها و نهرهای بزرگ مثل فرات و دجله و نیل و نهرهای کوچکی که کسی آن‌ها را به نیت تملک به جریان نینداخته است.

امام خمینی رحمته با این‌که آب‌ها را از مشترکات برشمرده‌اند، در عین حال حیازت آب را موجب تملک می‌دانند:

و من المشتركات المياه و المراد بها مياه الشطوط و الانهار الكبار كدجلة و الفرات و النيل او الصغار التي لم يجرها احد بل جرت بنفسها من العيون او السيول او ذوبان الثلوج و كذلك العيون المتفجرت من الجبال او في اراضى الموات و المياه المجتمعه في الوهاد من نزول الامطار فان الناس في جميع ذلك شرك سواء و من حاز منها شيئاً بآنيه او مصنع او حوض و نحوها ملكه (امام خميني، ۱۳۷۹، ج ۲، مسئله ۲۴)؛ از مشترکات آب است و مراد از آن، آب شطها و نهرهای بزرگ مثل دجله و فرات و نیل یا نهرهای کوچکی که خودبه‌خود از چشمه‌ها خارج شده یا در نتیجه سیل‌ها یا ذوب شدن برف‌ها و هم‌چنین چشمه‌هایی که از کوه‌ها می‌جوشد یا در اراضی موات است و آب‌هایی که در زمین‌های پست از نزول باران جمع شده است؛ پس مردم در جميع آنها به طور مساوی شریک‌اند و هرکس چیزی از آنها را حیازت کند، با ظرف یا جای جمع آب باران یا حوض و مانند آن، مالک آن آب می‌شود.

شاگرد برجسته ایشان و استاد عالی‌قدر ما در این‌جا حاشیه‌ای دارد که نقل آن مناسب است که اگر مستقیم به فقه مربوط نیست، با روح فقه و حقوق در پیوند است:

«فان جميع الناس في ذلك شرع سواء فماء الفرات عام لا يختص بواحد و لو كان حاكماً او اميراً. فكيف امروا ان يمنعه عن آل الرسول ﷺ».

۳.۱. مشترکات

شهید سید محمدباقر صدر همه آب‌ها را از مشترکات می‌داند:

مصادر المياه الطبيعيه على قسمين: احدهما: المصادر المكشوفه التي اعدها الله للانسان على سطح الارض، كالبهار و الانهار، و العيون الطبيعيه و الآخر: المصادر المكنوزه في اعماق الطبيعيه، التي يتوقف وصول الانسان إليها على جهه و عمل كمياه الآبار التي حفرها الانسان ليصل إلى ينابيع الماء.

فالقسم الاول من المياه يعتبر من المشتركات العامه بين الناس و اما القسم الثاني من المصادر الطبيعيه للماء و هو ما كان مكنوزاً و مستترأ في باطن الارض و لا يختص به احد ما لم يعمل للوصول إليه، و الحفر لاجل كشفه ماذا كشفه انسان بالعمل والحفر، اصبح له حق في العين المكتشفه، يجيز له الاستفاده منها و يمنع الآخرين من مزاحمته لانه هو الذي خلق بعمله فرصه الانتفاع بتلك العين فمن حقه ان يتنفع بهذه الفرصه. و ليس للآخر ممن لم يشاركه بهذه في خلقها ان يزاحمه في الاستفاده منها و لذلك يصح اولى بالعين من غيره و يملك ما يتعدد من مائها لانه لون من الوان الحيازه، و لكنه لا يملك نفس العين موجود في اعماق الطبيعيه قبل عمله و لذا كان يجب عليه اذا اشبع حاجته من الماء بذل الزائد للآخرين و لا يجوز له ان يطالبهم بمال عوضاً عن شربهم و سقى حيوانهم لان المادة لا يزال من المشتركات العام (صدر، ۱۳۷۵: ۴۹۷)؛

مصدر آب طبیعی بر دو قسم است: اول) مصادر مکشوفی که خدای تعالی در سطح زمین برای انسان آماده نموده است، مانند دریاها و نهرها و چشمه‌های طبیعی؛ دوم) مصادر و منابع پنهان‌شده در اعماق زمین که دستیابی انسان به آن‌ها مبتنی بر جهد و کوشش و عمل است، مانند آب چاه‌هایی که انسان آن را حفر می‌کند تا به منبع آب برسد.

قسم اول (آب سطحی) از مشترکات عمومی بین مردم است. و اما قسم دوم از مصادر طبیعی آب، همان‌که مکنوز و مستتر در باطن زمین است، اختصاص به فردی ندارد؛ مادامی که اقدام عملی برای وصول به آن نداشته باشد و برای کشف آن حفری نکرده است تا مجوز استفاده از آن گردد و دیگران را از مزاحمت خود منع کند؛ چون اوست که فرصت انتفاع از چشمه را با عمل خود ایجاد کرده است، پس حق اوست که از این فرصت استفاده کند و برای دیگری که در این کوشش نقشی نداشته است، حق مزاحمت او را در استفاده از آن نخواهد بود و برای همین است که نسبت به دیگران اولویت استفاده دارد و مالک آب‌های تجدیدشونده می‌شود؛ زیرا حفر نوعی از انواع حیازت است، و لکن آن موجب مالکیت خود عین موجود در اعماق قبل از عملش نمی‌شود [با توجه به سیاق عبارت باید قبل عمل، بعمله باشد]. ولذا واجب است بر او که چنانچه نیازش از آب برآورده شد، زائد آن را به دیگران بذل کند و مطالبه عوض در قبال شرب ایشان و آب دادن حیوانات ایشان بر او جایز نیست؛ زیرا ماده دائماً از مشترکات عمومی است.

۴.۱. انفال بودن دریا

گروهی از فقها دریا را جزء انفال می‌دانند. مفید در مقنعه آورده است: «و الانفال کل ارض فتحت من غیر ان یوجف علیها بنخیل و الارحاب و الارضون الموات و ترکات من لاوارث من الاهل و القربات و الآجام و البحار و المفاوز و المعادن و قطایع الملوک» (مفید، ۱۴۴۱: ۲۷۷). حلبی همانند مفید، بحار را جزء اقسام انفال برشمرده است (حلبی، ۱۴۰۲: ۱۷۱). کلینی آورده است: «و كذلك الآجام و المعادن و البحار و المفاوز هی للامام خاصه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۵۳۸).

هم‌چنین است نیزارها، دریاها و سیلاب‌ها که به نحو ویژه به امام علیه السلام تعلق دارد. آیت‌الله مشکینی آورده‌اند:

و منها البحار کلها الا شیئاً یسیرا مما یقرب من سواحلها بالمقدار الذی تصرف فیہ الناس او کان حریماً لما تصرفوا فیہ فانها من الانفال و یجب ان تكون تحت سلطه الامام لاسیما الیوم حیث کان اغلب سطوحها مورد الستفاده و الاستطراق (مشکینی، ۱۳۷۷)؛ یکی از اقسام انفال دریاهاست، مگر مقدار کمی از اطراف سواحل که مردم در

آن تصرف می‌کنند یا حریم موارد تصرف ایشان است، نیز از انفال است و واجب است که تحت سلطه امام علیه السلام باشد؛ به‌ویژه در این روزگار که در سطوح مختلف از دریا استفاده می‌شود.

بعضی از فقها کل آب‌ها را از انفال می‌دانند. آیت‌الله حائری آورده‌اند: «و المیاه العامه» (حائری، ۱۴۲۶: ۸۴).

۵. ۱. قول به تفصیل

آیت‌الله سیستانی، بین نه‌های بزرگ و مانند آن و آب باران که خودبه‌خود در جایی جمع می‌شوند، تفصیل داده و اولی را از انفال و دومی را از مباحات می‌داند و چاه‌ها و چشمه‌هایی را که توسط افراد حفر می‌شود، ملک حفرکننده شمرده‌اند. گرچه ایشان آب را از مشترکات ذکر می‌کنند، در تفصیل مطلب آن‌ها را جزء انفال می‌شمارند، اما با حیازت به ملکیت اشخاص درمی‌آیند (سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۹۷ و ۳۰۴، مسئله ۹۶۴).

«آب شط‌ها، رودهای بزرگ و نیز نه‌های کوچکی که از چشمه‌ها و آب شدن برف و مانند آن باشد و چشمه‌های ایجادشده در زمین‌های موات از انفال محسوب می‌شوند، اما با حیازت به ملکیت شخص درمی‌آیند» (همان: ۳۰۴، مسئله ۹۶۶).

سپس آورده‌اند: «تمام آب‌ها هم‌چون آب باران و مانند آن که بدون دخالت کسی در مکانی جمع شود، از مباحات اصلی محسوب می‌شود و با حیازت همراه با قصد تملک به ملکیت درمی‌آید» (همان: مسئله ۹۶۷).

و درباره آب‌های زیرزمینی آورده‌اند: «آب چاه‌ها و چشمه‌ها و قنات‌هایی که توسط اشخاصی حفر می‌شوند، ملک حفرکننده است و کسی بدون اجازه آن نمی‌تواند تصرف کند» (همان: مسئله ۹۶۸).

ملاحظه می‌کنید که ایشان میان مصادیق به تفصیل قائل شده‌اند. دریاها از انفال، آب باران و مانند آن از مباحات اصلیه و برخی دیگر ملک شخصی است (فراهانی‌فرد، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

۲. بهره‌برداری از آب‌ها

موضوع بهره‌برداری از آب‌ها پس از تقسیم آن به آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی، هرکدام جداگانه بررسی می‌شود.

۲.۱. بهره‌برداری از آب‌های سطحی

این‌گونه آب‌ها، اگر به صورت طبیعی و غیرارادی داخل ملک کسی شود، مالکیت نخواهد آورد؛ حال از انفال باشد یا از مباحات. درباره استفاده و بهره‌مندی از آن‌ها اختلافی نیست، بلکه بحث بر سر مالکیت آن است که به شرط حیازت و قصد تملک ممکن خواهد شد. و إن زاد هذا الماء فدخل الی املاک الناس و اجتمع فیها لم یملکوه کما انه لو نزل مطر و اجتمع فی ملکهم او تلج فمکت فی ملکهم او فرخ طائر فی بستانهم او توصل طی فی ارضهم او وقعت سمک فی سماریتهم لم یملکوه و کان ذلک لمن حازه بلا خلاف و اما المملوک فکل ما حازه من المیاء المباح فی قربه او جرّه او برکه او بئر جمعه فیها و فهذا مملوک له کسائر المایعات المملوکه من الادهان و الالبان و غیرها و متی غضب غاصب من ذلک و جب علیه رده علی صاحبه إن کان باقیاً او مثله إن کان تالفاً (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۸۲)؛ اگر آب سطحی زیاد شود، پس داخل املاک مردم شده و در ملک جمع شود، مالک نمی‌شوند؛ کما این‌که اگر باران بیارد و در ملک ایشان جمع شود و یا برف بیارد و در ملک ایشان بماند یا پرندای در بستان ایشان تخم‌گذاری کند یا آهوئی در زمین‌شان به گل نشیند یا ماهی در گیاه‌شان گیر کند، مالک آن‌ها نمی‌شود. و این‌ها بدون اختلاف برای کسی است که حیازت کند. و اما مملوک کدام است؟ هر آنچه حیازت کند از آب مباح در مشک یا کوزه یا برکه یا چاه که جمع کند در آن‌ها؛ پس این‌ها مانند سایر مایعات مملوکه از روغن‌ها و لبنی‌ها و غیر آن است و هرگاه غاصبی آن‌ها را غضب کرد، رد آن واجب است بر او اگر باقی باشد و اگر تلف شود، مثل آن را ضامن است.

۲.۲. بهره‌برداری از آب‌های باطنی

درباره بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی چند قول وجود دارد. نقل مشهور، قائل به ملکیت بهره‌بردار است. در مقابل، شخصیتی مانند شیخ طوسی، به استحقاق و اولویت بهره‌بردار باور دارد.

شهید صدر آن‌ها را از مشترکات دانسته و بر آن است که هرکس به قدر نیاز خود حق استفاده از آن‌ها را دارد.

صاحب جواهر معتقد است:

و اما ملک الماء ببلوغه الذی نسبه غیر واحد الی الاصحاب مشعراً بالاجماع علیه بل لعله کذلک نظراً الی سیره المستمره فقد یقال إن الوجه فیہ امکان دعوی انه حیازه له او سبق الی ما یسبق الیه مسلم فیکون له و فحوی ما تسمعه من نصوص بیع الشرب او انه احياء للارض بالسرایه علی نص ما سمعته فی المعدن امران ملک الارض یقتضی ملک الکامن فیها و ان لم یکن من اجزائها او غیر ذلک (ج ۳۸ ص ۱۱۷)

اما ملک بودن آب به حدی رسیده که تعدادی این قول را به اصحاب نسبت می‌دهند که اشعار به اجماع دارد، بلکه هم‌چنین با نظر به سیره مستمره آن تأیید می‌شود. بعضی در دفاع از ملک بودن آب، ثمره ملک مثل ثمره شجره به حساب آورده‌اند و شیر گوسفند و گاو مثلاً یا این که حال ملکیت آب به لحاظ نوعی حیازت و سبقت مالک آن شده است و آنچه شنیده‌ای از بیع آب شرب یا این که احیاء ارض شامل آب‌های مربوط به آن بشود یا ملکیت آنچه در معدن است، به لحاظ بودن معدن در ملک شخصی یا این که ملک ارض موجب ملک آبی است که در آن وجود دارد؛ اگرچه از اجزای ملک نیست و ادله‌ای مانند آن.

بزرگانی در همه این وجوه مناقشه و قول شیخ طوسی را نقد کرده‌اند که فرموده است: فکل موضع قلنا إنه یملک البئر فانه احق من ما ئها بقدر حاجته لشربه و شرب ماشیته و سقی زروعه فاذا فضل بعد ذلک شیء وجب علیه بذله بلا عوض لن احتاج إلیه شربه و شرب ماشیته من السابله و غیرهم و لیس له صنع الماء الفاضل من حاجته حتی لا یتمکن غیره من رعی الکلاء الذی یقرب ذلک الماء و انما یجب علیه ذلک الشرب المحتاج إلیه و شرب ماشیته فاما لسقی زرعه فلا یجب علیه (شیخ طوسی ۱۳۸۷ ج ۳ ص ۲۸۴)؛ پس هر موضعی که ما گفتیم او مالک چاه است، به این معناست که احق از آب چاه است به قدر حاجتش برای شرب و شرب مرکبش و آبیاری زراعتش؛ پس اگر بعد از آن زیاد آمد، واجب است بر او بدون عوض بذل کند برای محتاج شرب و شرب مرکب و حق ندارد منع آب اضافی بر مصرفش، به طوری که دیگر نتواند برای مرتع کنار آب استفاده کند و واجب است بر او برای شرب محتاج به آب و شرب مرکب، اما آبیاری زراعت دیگری بر او واجب نیست.

۲.۳. میزان حریم آب

درباره حریم و تعریف لغوی و اصطلاحی و حق یا ملک بودن آن در فقه و حقوق و قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه آثار عربی و فارسی و بحث‌های تطبیقی خوبی شده است. آنچه در این فرصت و به مناسبت فقه آب قابل ذکر است، این است که میزان و ملاک مقدار حریم چیست؟ در این زمینه دو متن فقهی قویم ارائه می‌شود:

والذی اراه ان الحریم یقدر یجب الحاجه و المصلحه و هی تختلف باختلاف البلدان و الازمان اما النص الوارد فی تحدید الطریق و الیه فیحمل علی ما دعت الیه الحاجه و المصلحه فی ذلک العهد و فی کتاب اصول الاثبات عقدت فصلاً مستقلاً بعنوان «هل تتغیر الاحکام بحسب الازمان قلت فیما قلت ان من الاحکام ما شرع وفقاً للطبیعیه الانسان بما هو انسان و هذه الاحکام لا یمکن ان یتغیر بحال مهما تغیرت الازمان و ضربت امثله علی ذلک و من الاحکام ما شرع للانسان بالنظر الی مجتمعه

الذی يعيش فيه و العادات و التقاليد المألوفه في ذلك العهد و هذا النوع من الاحكام يتبدل المجتمع (مغنيه، بی تا، ج ۵: ۵۰)؛ آنچه به نظرم می رسد این است که قدر حریم، حسب حاجت و مصلحت است و آن به اختلاف بلدان و زمان تغییر می کند؛ اما نص وارد و تحدید طریق و مانند آن، حمل بر میزان نیاز و مصلحت در آن می باشد. در کتاب اصول اثبات فصل مستقلی را گشوده ام به این عنوان که آیا احکام بر حسب زمان تغییر می کند و گفتنی ها را آنجا گفته ام. بعضی از احکام شرع وفق طبیعت انسان است بما هو انسان؛ این احکام ممکن نیست که تغییر کند در هر حال با تغییر زمان و مثال هایی هم آورده ام. برخی دیگر از احکام شرعی برای انسان با نظر به اجتماعی صادر شده که در آن شخصی زندگی می کند و عادات و رسوم تقلیدی مألوف در آن عهد و زمان و این نوع از احکام با تبدیل اجتماع متبدل خواهد شد.

و کاشف الغطا در تحریر المجله می نویسد:

كل هذه المقادير ما ورد رواية به اقتضاه الاعتبار و العرف و لذا اهمل بعض الفقهاء اعتبارها و ارجح التقدير الى حد الضرر فكل واحد من تلك العناوين من الارض حولها ما تقضيه حاجته عرفاً و ما يستلزم تطرق الضرر عليه في الاقل منه و ليس هنا قصد شرعي بمقدار معين بل الاحاديث الواردة في هذا المواضيع ناظره الى العرف في تلك الاعصار... فالاصح اناطه ذلك الى نظر اولياء الامور الصالحين المصلحين حسبما تقتضيه المصالح العامه و الخاصه و هي تختلف باختلاف الزمان و البلدان و الظروف و الاحوال (كاشف الغطا، ۱۳۶۱، ج ۲: ۲۵۶)؛ هریک از مقادیر بین اندازه وارد شده در روایات و مقداری که عرض اعتبار و عرف مشخص می کند، مردد است. برخی از فقها اعتبار را رها کرده و حد ضرر را راجح دانسته اند. پس حریم هریک از عناوین، تبعد شرعی نسبت به اندازه معینی ندارد. احادیث وارد در این زمینه همگی ناظر به عرف زمان صدور روایت است. پس اصح اناطه آن به نظر اولیاء امور صالحین و مصلحین حسب اقتضای عرف عامه و خاصه است و آن هم به اختلاف زمان ها و مکان ها، ظرفیت ها و احوال مربوط می شود.

۲.۴. حریم و حمی

حمی از نظر لغت و برداشت عرفی به مقدار زمینی گفته می شود که شخص حقیقی مثل رئیس قبیله یا حقوقی مثل حکومت برای مصالح عمومی اختصاص دهد و به دیگری اجازه ندهد از آن استفاده کند. لازم نیست قُرُکَگاه به منظور بهره‌وری باشد، مثل موردی که محل تعلیف احشام در اثر استفاده بی‌رویه تخریب شده باشد و به صورت زمین لم‌یزرع درآمد باشد که موجب خیزش سیل‌های موسمی گردیده و خسارت بسیاری برای کشور و مردم در پی داشته باشد.

از این رو حکومت آن محل را برای مدتی قُرُق کرده و به هیچ کس حق بهره‌وری نمی‌دهد تا دوباره به حال اول خود برگردد.

تفاوت حریم و حمی در این است که حریم مربوط به ذوالحریم است و برخی آن را ملک ذوالحریم می‌دانند، ولی حامی بر زمین مجاور ملکیتی ندارد. حمی به زمینی گفته می‌شود که به دلیل مصالح خاصی نبی اکرم ﷺ، امام معصوم یا ولی امر می‌توانند مردم را از انتفاع از آن منع کنند؛ بنابراین حمی برای غیر زمامدار قرار داده نشده است.

ای بسا تضییق امر بر یک عده مخصوصی در زمان محدود موجب تسهیل امر بر عامه مردم در بلندمدت شود و لذا امام همه مصالح را ملاحظه می‌کند و آنچه اهم است، ملاک اقدام قرار می‌دهد (فاضل هرندی، ۱۳۸۶: ۶۷).

۳. فقه آب و محیط زیست

«قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین» (ملک: ۳۰)؛ بگو اگر آب (آشامیدنی) شما به (زمین) فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟ منظور از فقه آب در این بحث، فقه به معنای اعم است که عبارت از شناخت مجموعه معارف از عقاید و احکام و اخلاق است، نه احکام عملی از ادله تفصیلی و نه فقط احکام. به بیان راسختر، منظور جایگاه آب در منظومه معارف اسلامی و اهمیت آن از همه ابعاد است که قرآن به آن ناطق است و پیش‌تر به آن اشاره شد.

اکنون تعبیر قرآن ناطق، امام علی بن ابی‌طالب را ملاحظه کنید که می‌فرماید: «الماء سید الشراب فی الدنیا و الآخرة» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵: ۲۴۴)؛ آب سرور نوشیدنی‌های دنیا و آخرت است یا آن‌جا که امام صادق علیه السلام فرمودند: «طعم الماء طعم الحیات» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۳۸۱)؛ مزه آب، مزه زندگی است.

آب منشأ حیات و مایه دوام آن است. آب وسیله رویدن گیاه و مایه حیات ماهیان به عنوان غذای آبزیان است. آب وسیله انتقال انرژی حرارتی و حلال خوب مواد شیمیایی است. آب مختص این دنیا نیست، بلکه در بهشت و دوزخ نیز آب وجود دارد؛ چنان‌که فرموده‌اند: «سید شراب الجنة الماء؛ سرور نوشیدنی‌های بهشت آب است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵: ۲۳۴).

وقتی اهمیت آب برای حیات انسانی مورد توجه قرار گرفت، لازم است عوارض ناشی از آلودگی محیط زیست را، چه از راه توازن میان بهداشت و اقتصاد و یا جدی گرفتن شبکه انتقال فاضلاب، چه تفکیک آب آشامیدنی از مصارف بهداشتی و آبیاری گیاهی و چه کارهایی مثل شیوه آبیاری قطره‌ای و نیز کاشت درختان مقاوم در برابر کم‌آبی و خشک‌سالی، سامان جدی داد و استفاده بهینه از آب را اجرایی نمود.

در قرآن کریم و سنت نبوی، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که از آن‌ها وجوب پرهیز از آلودن محیط اطراف استفاده می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

«و انزلنا من السماء ماءً طهوراً» (فرقان: ۴۰)؛ از آسمان آبی پاک فرود آوردیم.

«کلوا و اشربوا من رزق الله ولا تعثوا فی الارض مفسدین» (بقره: ۶۰)؛ از روزی خدا بخورید و بیاشامید، ولی در زمین به فساد سر بر مدارید.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «شخصی از علی بن الحسین علیه السلام پرسید که غربا کجا قضای حاجت کنند؟ امام فرمودند: از قضای حاجت بر کنار آب‌راه‌ها، گذرگاه‌های عمومی و پر رفت‌وآمد، زیر درختان میوه و در جاهایی که نفرین‌برانگیز است، خودداری کنند. سؤال شد جای نفرین‌برانگیز کجاست؟ امام فرمود: بر درب سراها» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۵۳۴).

در حدیث دیگری آمده است: «لا تبل فی ماء راكد» (همان، ج ۶: ۵۳۴)؛ در آب راکد ادرار نکنید.

و یا در روایت است که: «ان للماء اهلاً» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۴)؛ به یقین آب را ساکنانی است. و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده است که: «من تخلی علی قبر او بال قائماً او بال فی ماء قائماً فاصابه شیء من الشیطان لم یدعه الا ان شاء الله؛ هرکس بر قبری قضای حاجت کند یا ایستاده ادرار کند، دستخوش شیطان شده و جز به خواست خداوند از آن رهایی نخواهد یافت».

برخی روایات فاصله میان چاه آب و فاضلاب را ده ذراع مقرر داشته است. از علاء نقل است که گفت از امام صادق علیه السلام پرسیدم چاه آبی در کنار چاه فاضلاب قرار دارد و مردم از چاه آب وضو می‌گیرند (حکم شرعی آن چیست؟) امام فرمودند: اگر چاهی که از آن می‌آشامند بعد از زمین‌های پست قرار داشته باشد و با چاه فاضلاب ده ذراع فاصله داشته باشد، استفاده از آن پلا مانع است: «ان کان بینهما عشرة ذراع و کانت البئر اللتی یتقون فیها یلی الوادی فلا بأس» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، باب ۵، حدیث ۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «و لا تفسد علی القوم مائهم؛ آب (پاکیزه و سالم) مردم را فاسد نکنید» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۶۵).

مسئله عنایت ویژه قرآن و سنت و سیره معصومین علیهم السلام به سلامت فردی و اجتماعی محیط‌زیست امری مسلم است و رهنمودها و آموزه‌های مناسب و لازم را ارائه فرموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

۴. مدیریت اسلامی آب

حقوق بهره‌برداری از منابع آب در فقه اسلامی همراه با حقوق معادن مورد بحث قرار می‌گیرند. معادن به دو دسته سطحی و عمیق تقسیم می‌شود: آب از جمله گروه اول به‌شمار می‌آید و احکام همین نوع از معادن بر آن مترتب می‌شود. اکثر فقها آن را جزء مشترکات می‌شمارند (ابن‌براج، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۵۷-۲۵۸)، ولی برخی (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۳۸) آن را جزء انفال که جزء اموال امام است، به‌شمار می‌آورند که می‌تواند توسط دولت مصرف شود یا به سازمان‌های خصوصی اجاره داده شود. سرمایه‌گذاری به‌منظور دسترسی به این منابع، امتیاز مالکیت خصوصی و یا اولویت حق استفاده از آب حاصله را می‌دهد ولی هیچ حقی را نسبت به رودخانه یا منابعی دیگر که منشأ جریان آب بوده برای او قائل نمی‌شود؛ چاه‌ها، قنوات که تونل‌های زیرزمینی با شیب ملایمی برای عبور آب به وسیله نیروی ثقل بوده و کانال‌ها که از گزینه‌های دیگر سرمایه‌گذاری به‌منظور دسترسی به آب به‌شمار می‌روند، به عنوان دارایی‌های شخصی سرمایه‌گذار محسوب می‌شوند. آب پمپاژ شده یا وارد کانال گردیده نیز از دارایی‌های سرمایه‌گذار است. اما منبع آب همواره جزء دارایی‌های عموم جامعه شمرده می‌شود (صدر، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

در دو دهه گذشته، نیاز به رویکردهای جدید برای ارزیابی، توسعه و مدیریت منابع آب شیرین مورد تأکید قرار گرفته است. در همین راستا، کنفرانس بین‌المللی آب و محیط زیست با عنوان موضوعات توسعه برای قرن بیست‌ویکم که در ژانویه سال ۱۹۹۲ در دوبلین برگزار گردید، فراخوان مقالات خود را درباره راهکارهای جدید ارزیابی، توسعه و مدیریت منابع آب سالم منتشر کرد (سلامت، ۱۳۸۷: ۷۵). افزون بر این، کنفرانس سازمان ملل متحد که در ژوئن سال ۱۹۹۲ با موضوع محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو برگزار گردید، تأیید کرد که مدیریت منابع آب نیاز به اصلاح دارد؛ کنفرانس بیان نمود که مدیریت یکپارچه آب سالم به عنوان یک منبع آسیب‌پذیر و محدود و یکپارچه‌سازی طرح‌ها و برنامه‌های آبی در قالب سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصاد ملی از اهمیت ویژه‌ای در سال ۱۹۹۰ و بعد از آن برخوردار است (بانک جهانی، ۱۹۹۳: ۲۴). شرایط ضروری برای موفقیت‌آمیز بودن رویکردها عبارت از اعمال سیاست‌های ارتقای سطح آگاهی‌ها، قانون‌گذاری، تغییرات نهادی، توسعه فناوری و برنامه‌های ظرفیت‌سازی است. قبل از هر چیزی این‌گونه برنامه‌ها باید مورد تأیید مردم و منطبق با معیارها و ارزش‌های آنان و مکانی که در آن زندگی می‌کنند، باشد. دیدگاه اسلام درباره انسان و طبیعت چهارچوب ایده مدیریت منابع پایدار آب را تشکیل می‌دهد.

هدف از این بخش، مقایسه اصول مدیریت آب با موارد بیان شده در کنفرانس دوبلین است. اسلام جنبه‌های مختلف زندگی انسان را دربر می‌گیرد و تنظیم‌کننده روابط بین خدا و

انسان‌ها و طبیعت است. این موضوع بر پایه اصل یگانگی خالق و تسلیم بودن انسان‌ها در مقابل اراده او استوار است. نقش و وظیفه ما، استفاده منطقی، عادلانه و پایدار از همه منابع، به‌ویژه آب است. براساس آیین اسلام، طبیعت توسط خداوند و برای انسان‌ها خلق شده است؛ روابط بین انسان‌ها و خلقت براساس توازن و هماهنگی پایه‌گذاری شده است؛ زیرا همه مخلوقات از قوانین خداوند تبعیت می‌کنند. مباحث طرح‌شده در کنفرانس دوبلین بر پایه این موضوع استوار است؛ در صورتی که منابع آب و زمین به درستی مدیریت نشوند، سلامت بشر، امنیت قضایی، توسعه اقتصادی و اکوسیستم‌ها با خطراتی روبه‌رو می‌شوند. این کنفرانس به دنبال راهکارهای بنیادی و جدید برای ارزیابی، توسعه و مدیریت منابع آب شیرین بوده است. در این کنفرانس بر حقایق هم‌چون نیاز به تعهد همراه با پشتوانه، سرمایه‌گذاری‌های قوی و فوری برنامه‌ها، افزایش آگاهی‌های عمومی، تغییرات قانونی و نهادی، توسعه فناوری و برنامه‌های ظرفیت‌سازی تأکید شد؛ این مسائل به طور کامل در راستای دیدگاه بنیادی اسلام درباره مدیریت آب است. بسیاری از آیات قرآنی تشریح‌کننده ارزش آب، چگونگی پدید آمدن آب و آسیب‌پذیری آن است؛ برای نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: «از آب هر چیز زنده‌ای آفریدیم؛ چرا باز مردم به خدا ایمان نمی‌آورند» (انبیاء: ۳۰) و «بگو چه تصور می‌کنید اگر آب که مایه زندگی شماست، همه به زمین فرو رود، کیست که دوباره آب روان و گوارا برای شما پدید آورد؟» (ملک: ۳۰). اصل اول بیانیه دوبلین می‌گوید آب سالم منبعی محدود و آسیب‌پذیر بوده که برای پایداری حیات، توسعه و محیط زیست ضروری است؛ روشن است این اصل با اصول و مفاهیم مدیریت آب در اسلام سازگار است. بنابراین، هم اصول مدیریت آب در اسلام و هم اصل اولیه بیانیه دوبلین، منابع آب‌های سالم را محدود، آسیب‌پذیر و برای زندگی بشر مهم می‌داند.

اصل مشورت در اسلام با اصل دوم بیانیه دوبلین درباره مشارکت تمامی ذی‌نفعان در مدیریت آب و توسعه هم‌خوانی و سازگاری دارد؛ چنانکه به نقش زنان در حفاظت و چگونگی مصرف آب اشاره شده است و با توجه به اصل چهارم که برای آب ارزش اقتصادی متصور است، تحقیق بیشتری برای روشن شدن جنبه‌های مختلف اقتصاد آب، حقوق و ارزش آب مورد نیاز است. برای بهره‌برداری از اصول مدیریت آب در اسلام، تشکیل شورایی مشورتی برای اصلاح قوانین و مدیریت پایدار آب پیشنهاد می‌شود. این شورا متشکل از اندیشمندان علوم و مذهب بوده تا جنبه‌های مختلف آموزش داده شود و نوآوری‌ها در علوم تقویت گردد. یکی از وظایف اصلی این شورا، طرح‌ریزی سیاست‌گذاری آب در سطح ملی و بین‌المللی است. نتیجه ارزیابی عملکرد این شورا به همراه احکام جدید باید در دسترس عموم قرار گیرد (الجیوشی، ۱۳۸۷: ۷۸-۸۲).

۵. بهره‌وری معنوی از آب

در این بخش موارد استحبابی آب که مبتنی بر قبول احادیث موجود است، ارائه می‌شود:

۱. لذت نوشیدن آب

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرکس در دنیا با آشامیدن آب لذت ببرد (آب را با لذت بنوشد)، خداوند در آخرت از نوشیدنی‌های بهشت او را به لذت برساند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۴۲).

۲. نوشیدن آب با ذکر خدا

«هرکس مؤمنی را با جرعه‌ای از آبی که در اختیار دارد سیراب کند، خداوند برای هر جرعه آب هفتاد هزار حسنه عطا کند» (همان، ج ۲۵: ۲۴۰).

۳. یاد امام حسین علیه السلام هنگام نوشیدن آب

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من هیچ‌گاه آب سرد ننوشیدم، مگر این که حسین علیه السلام را یاد کردم. هر بنده‌ای از بندگان خدا که آب بنوشد و به یاد حسین و اهل بیت او باشد و قاتلانش را لعنت کند، خداوند در برابر آنان صد هزار حسنه بدهد و صد هزار بدی را دفع کند و او را صد درجه بالا ببرد و مانند این است که بنده‌ای را آزاد کند» (همان: ۲۶۷).

۴. آب کربلا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند برخی از زمین‌ها و آب‌ها را بر برخی دیگر فضیلت داده و همانا زمین کربلا و آب فرات، اولین زمین و آبی است که آن‌ها را مقدس و مبارک شمرده است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، باب ۶۸ از ابواب مزار، ج ۱۴: رحمانی، ۱۳۷۶).

نتیجه

آب جایگاه مهمی در نظام خلقت و حیات انسانی داشته و منشأ حیات است. از نظر جایگاه فقهی و حقوقی، برخی آن را جزء مباحات دانسته‌اند که با حیات به ملکیت درمی‌آید و برخی جزء مشترکات و برخی دیگر بین آب‌های سطحی و آب‌های عمقی قائل به تفصیل شده‌اند و سرانجام برخی دیگر، آب را از انفال برشمرده‌اند. اگرچه با اختلاف مبنا نتیجه نیز متفاوت است، اما به طور کلی امرش با حکومت اسلامی است.

نکته دیگر، بهره‌برداری از آب‌های سطحی و باطنی است که حکم آن در متن آمده است. و در آخر، وقتی آب برای حیات انسانی چنان مورد توجه واقع شود که به عنوان سید و سرور نوشیدنی‌های دنیا و آخرت به‌شمار آید و باعث روییدن گیاه و حیات ماهیان و انتقال انرژی و حلال مواد شیمیایی گردد، باید به عوارض ناشی از آلودگی محیط زیست و توازن بهداشت و اقتصاد، جدی گرفتن شبکه انتقال و تفکیک آب آشامیدنی از مصارف بهداشتی

توجه جدی شود. و اینکه در این نوشتار، حریم آب ملاحظه و بررسی گردیده است و باید افزون بر بهره‌برداری مادی، بهره‌وری معنوی از آب نیز مورد غفلت واقع نشود.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع

۱. امام خمینی (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*. قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. الجیوشی (۱۳۸۷). «مدیریت اسلامی آب و بیانیه دویلین»، مقاله‌ای از کتاب *علیرضا سلامت صفحات ۷۸-۸۲*.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *اسلام و محیط زیست*. قم، نشر اسراء.
۴. حایری، سید کاظم (۱۴۲۶ ق). *فتاوی فی الاموال العامه*. قم، دفتر آیت‌الله حایری.
۵. حرعاملی، محمدحسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*. قم، مؤسسه آل‌البیت.
۶. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۲ ق). *الکافی فی الفقه*. اصفهان، مکتبه امیرالمومنین علیه السلام.
۷. رحمانی، محمد (۱۳۷۶). «احکام فقهی آب». *فصلنامه حوزه نمایندگی جهاد و سازندگی*، قم.
۸. سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ ق). *منهاج الصالحین*. قم، دفتر آیت‌الله سیستانی.
۹. شهید اول، محمد بن جمال‌الدین مکی (۱۴۱۴ ق). *دروس الاحکام*. قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۵). *اقتصادنا*. خراسان، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. ____ (۱۳۸۷ ق). *مبسوط*. تهران، مکتبه المرتضویه.
۱۳. سلامت، علیرضا (۱۳۸۷). *مدیریت آب در اسلام*. تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۴. فاضل هرندی، محی‌الدین (۱۳۷۶). *حریم در فقه شیعه*. قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۴). *فقه منابع طبیعی*. قم، نشر المصطفی.
۱۶. کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۶۱). *تحریر المعجله*. قم، فیروزآبادی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *اصول کافی*. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. ____ (۱۳۶۵). *فروع کافی*. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*. بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۰. مشکینی، علی (۱۳۷۷). *مصطلحات الفقه*. قم، الهادی.
۲۱. مغنیه، محمدجواد (بی‌تا). *فقه الامام الصادق*. قم، قدس محمدی.
۲۲. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۶). *آب منشا حیات، فصلنامه فرهنگ جهاد*، سال دوم، شماره ۳ و ۴.
۲۳. نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۶۸). *جواهر الکلام، دارالحياء التراث العزی*.
۲۴. مفید، المقنعه (۱۴۴۱)، قم، نشر اسلامی.



Research Paper

Jurisprudence Basics Water and Islamic

Seyyed Ali Mohammad Yasrebi*^{ID}

*Associate Professor ,Department of Energy Law and International Trade,
College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran*

Abstract

This paper is humbly composed with the recommendation of the authorities of the National Conference of Water Rights, Opportunities and Solutions in a limited time. It includes ownership of water under the titles such as rights or properties belonging to no particular person, the common, belief in isolation or in Anfal with two stipulations, brief and argument. There are also some subjects such as using surface water, criteria and extent of limitation and its differences, Islamic jurisprudence of water and environment and need for its protection against contamination. It ends with spiritual usage of water.

Keywords: Ownership, Usage, Limits, Environment ,Water

* Corresponding Author
Received:1 November 2022 , Accepted: 9January 2023

Email: myasrebi@ut.ac.ir
© University of Tehran

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-8773-175>



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.

